

نویسنده : م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadra, ar» .
منبع و تاریخ نشر : اندیا پانچیل «2025-10-04» .
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

هند و پاکستان در تب و تاب تبلیغ جایزه نوبل

*India, Pakistan in dead heat to promote
Trump's Nobel*



ترامپ، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل (چپ) و دونالد ترامپ، رئیس
جمهور آمریکا، در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک، در کاخ سفید، واشنگتن، 29
سپتامبر ۲۰۲۵، جلسه‌ای برای اعلام طرح غزه برگزار کردند

. شاخه زیتون مورد انتظار هند به دولت ترامپ برای فراموش کردن گذشته‌ها، با حمایت پرشور نخست وزیر نارندرا مودی از طرح غزه که در دو بیانییه متوالی (اینجا و اینجا) در عرض چهار روز به ترامپ تبریک گفت، غافلگیرکننده است.

جنگ غزه موضوعی است که دولت مودی در مورد آن خوابگردی کرده است. شادی هندی‌ها این تصور را ایجاد می‌کند که درد جانکاه هند در مورد وضعیت غزه، علیرغم روابط نزدیکش با اسرائیل، جای تردید ندارد و این در بالاترین سطح رهبری دولت ملی‌گرای هندو نیز وجود دارد.

هر دو بیانییه، شخصاً از دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، تمجید می‌کنند و به نوعی ابتکار دیپلماتیک برای جلب توجه او به عنوان یک خیرخواه و حامی در مورد یک مسئله حیاتی امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی هستند که حتی ممکن است به عامل اصلی در رقابت او برای دریافت جایزه نوبل تبدیل شود. همین بس که مودی با برتری اخیر پاکستان، به این موضوع واکنش نشان داده است.

ترامپ چگونه تلافی خواهد کرد؟ اگر او از فرصت طلایی برای میانجیگری در مسئله کشمیر استفاده کند، چه؟

همین بس که بگوییم، هند و پاکستان در مسیر دیپلماتیک با هم رقابت خواهند کرد، زیرا برای جلب توجه ترامپ رقابت می‌کنند. برای ترامپ نیز مخاطرات زیادی وجود دارد، زیرا طرح غزه بر اساس یک محتوای تجاری عظیم که دقیقاً تحت نظر اوست، بنا شده است که پتانسیل تقویت برنامه MAGA را دارد.

با این وجود، ابتکار دیپلماتیک مودی به موقع و مورد استقبال است و در خدمت منافع بلندمدت خاصی است. از همه مهمتر، هند در حال بررسی دقیق موقعیت خود در گرداب ژئوپلیتیکی پر پیچ و خمی است که در خاورمیانه در پی حملات 7 اکتبر به اسرائیل شروع به شکل‌گیری کرد. دهلی در سرزمین بی‌صاحب گرفتار شد، زیرا منطقه عرب/مسلمان پس از انزوای شدید اسرائیل، که نزدیکترین متحد هند در خاورمیانه بوده است، به دنبال صف‌بندی‌های جدید بود.

رهبری هند منافع زیادی در رفاه و سعادت اسرائیل، به ویژه بقای سیاسی نخست وزیر بنیامین نتانیا هو، دارد. مودی با انتخاب اسرائیل به عنوان تنها کشور خارجی که از زمان نخست وزیر شدن در سال ۲۰۱۴ در آن تعطیلات خود را گذراند، بر این امر تأکید کرد. به عبارت ساده، نتانیا هو با مخالفت‌های داخلی مبارزه کرد و با کنار گذاشتن ملاحظات ایالات متحده، یک قرارداد مدیریتی میلیارد دلاری را به یک شرکت بانفوذ هندی برای توسعه بندر حيفا و تبدیل آن شهر به یک بهشت گردشگری در شرق مدیترانه مانند آنتالیای ترکیه اعطا کرد.

اگرچه روند دو سال گذشته فاقد شفافیت بود، اما هسته اصلی طرح غزه ترامپ، راه اندازی توافق نامه ابراهیم ۲/۰ با محوریت ادغام اسرائیل در همسایگی عرب-مسلمان آن در غرب آسیا است. طرح غزه، هرچند به ترامپ نسبت داده می شود، اما تأیید ریاض و تل آویو را به همراه دارد.

همین قدر کافی است که بگوییم، مخمسه هند در غرب آسیا در حال از بین رفتن است، زیرا ممکن است دیگر نگران رسوایی جانبداری در درگیری اعراب و اسرائیل نباشد. می توان گفت که هند حتی ممکن است در موقعیتی باشد که اتحاد خود با اسرائیل را بدون انگ «ضد مسلمان بودن» تقویت کند.

نخبگان حاکم فعلی هند به فرضیه کوپیر مبنی بر قرابت ایدئولوژیک بین ناسیونالیسم هندو («هندوتوا») و صهیونیسم پایبند هستند، که همچنان یک تناقض است. اما این برای آینده است. در حال حاضر، آنچه مهم است این است که اسرائیل توسط جهان غرب قادر می شود تا جایگاه مطرود خود را به عنوان کشوری که آپارتاید را اعمال می کند، پاک کند و دولت مودی می خواهد در «سمت درست تاریخ» باشد.

دهلی با نگرانی فزاینده ای نظاره گر است که «قطار راهل دو دولتی» در شرف ترک ایستگاه است و پاکستان به راحتی با ترامپ هم نشین می شود. هند برای پیوستن به این قطار عجله دارد. این اضطراب در تلاش دیوانهوار برای جلب توجه ترامپ نمایان است. تماشای چرخش دیپلماتیک هند و پاکستان در قطار فلسطین سرگرم کننده خواهد بود، اما از نظر ژئوپلیتیکی نیز حائز اهمیت است، زیرا هند در موقعیت رقابت با پاکستان برای جلب نظر ترامپ قرار می گیرد.

این وضعیت برای ترامپ کاملاً عادی است. اما یک نکته وجود دارد، زیرا ترامپ نیز فهرست آرزوهای دارد. در حالی که پاکستان به ایفای نقش یک شریک کوچک و حقیر عادت دارد، نمی توان همین را برای هند که ادعای «استقلال استراتژیک» دارد، گفت. همچنین، سونامی ضد آمریکایی در حال فراگیر شدن در هند است.

درست است که پاکستان نیز باید با ضد آمریکایی بودن در داخل خود روبرو شود، اما صاحبان قدرت به ظرافت از آن استفاده کرده اند و در شرایط فعلی، حمایت عربستان سعودی از طرح غزه یک عامل کاهش دهنده است.

مطمئناً، دولت مودی، که برای حفظ قدرت به سیاست های ضد اسلامی متکی است، باید توضیحاتی آرام به «حوزه اصلی رأی دهندگان» خود ارائه دهد. احزاب مخالف اجازه نخواهند داد که حزب حاکم بهارتیا جاناتا با سفسطه و فرصت طلبی از مجازات فرار کند و حزب بهارتیا جاناتا را در بازار مسخره خواهند کرد. اما باور عمومی به آن تن خواهد داد، جایی که هندوتوا چیزی جز نوعی افیون برای مصرف گاه به گاه و برای ایجاد حس سرخوشی نیست.

سپس، تناقضات دیگری نیز وجود دارد. اولاً، البته هیچ قطعیتی وجود ندارد که طرح غزه موفق شود. اسرائیل برای خود قانونی دارد و دلیلی برای رها کردن پروژه اسرائیل بزرگ خود ندارد. اسرائیل قبلاً بند بیست و یکم طرح اصلی را که مانع از الحاق کرانه باختری به خاک خود می‌شد، وتو کرده و حذف کرده است.

کافی است بگوییم که طرح غزه عمیقاً ناقص است، زیرا اسرائیل به لطف کنترل خود بر ترامپ و مارکو رابینو، کنگره، وال استریت، رسانه‌ها و سیاست خارجی ایالات متحده، از قدرت وتو برخوردار است. برعکس، خواسته‌های فلسطینی‌ها هنوز مشخص نشده است. طرح غزه یک تحمل است.

نیازی به حدس و گمان نیست که افرادی مانند تونی بلر که در هیئت صلح تحت ریاست ترامپ خدمت می‌کنند، در منطقه‌ای غرق در دلارهای نفتی چه کاری می‌توانند انجام دهند. اشتباه نکنید، وزن سنگین سلطه غرب ممکن است در مقطعی سقف طرح غزه را فرو بریزد.

تناقض دیگر این است که روسیه و چین سها مدار نیستند. و آنها به ترتیب «متحدان طبیعی» هند و پاکستان هستند. در حالی که ترامپ هنوز در مسیر جنگ با روسیه بر سر شکست ناتو در اوکراین قرار نگرفته است، همانطور که در اظهارات تند ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور، در رویداد والدای در سوچی در 2 اکتبر مشهود است، خشم و عصبانیت در حال افزایش است. (کرملین هنوز متن رسمی را منتشر نکرده است.) با این حال، بزرگترین تناقض، مسئله ایران خواهد بود. قدرت نظامی شماره یک در خاورمیانه مسلمان و تنها قدرت منطقه‌ای معتبر در آن منطقه، از این امر مستثنی است. چه اتفاقی می‌افتد اگر اسرائیل حمله دیگری به ایران انجام دهد، که اکثر تحلیلگران آمریکایی پیش‌بینی می‌کنند «قریب‌الوقوع» باشد - چند هفته، اگر نگوئیم چند روز؟

با اجرایی شدن تحریم‌های ماشه علیه ایران، دولت ترامپ در حال و هوای جشن و سرور است. این در حالی است که ابرهای طوفانی ناشی از محکومیت شدید مسکو از اقدام غرب و هشدار قبلی آن مبنی بر غیرقانونی دانستن تحریم‌های جدید به این شیوه ساختگی، در حال افزایش است.

با این وجود، روسیه با حسن نیت از طرح غزه ترامپ حمایت کرده و هرگونه شک و تردیدی را در مورد اجرای آن کنار گذاشته است. به عبارت ساده، مسکو موضع خود را با شرکای عرب خود، به ویژه عربستان سعودی، همسو کرده است.

با این حال، با توجه به احتمال قوی حمله اسرائیل به ایران، وزارت امور خارجه روسیه بیانه‌ای صادر کرده و بر تعهد مسکو به انجام «تلاش‌های مشترک برای تقویت ثبات و امنیت در منطقه و همچنین مقابله با تهدیدات و چالش‌های مشترک» با ایران تحت پیمان مشارکت جامع استراتژیک بین دو کشور که در 2 اکتب به اجرا درآمد، تأکید کرده

است، که جالب اینجاست که تنها سه روز پس از اعلام طرح غزه توسط ترامپ، به اجرا درآمد. بیانیه روسیه به تعهد به امنیت متقابل با ایران بسنده نمی‌کند، اما پیامدهای آن واضح است - یعنی، اگر نتانیا هو دستور حمله به اسرائیل را بدهد، روسیه یک تماشایی منفعل باقی نخواهد ماند. ضمناً، مسکو همچنین از دخالت فزاینده موساد در حملات اوکراین در داخل روسیه خشمگین است.

تناقض این است که مسکو ممکن است زیربنایی برای طرح غزه نیز فراهم کرده باشد، که اگر اسرائیل با حمله به ایران آن را تضعیف کند، ترامپ در موقعیتی نیست که آن را ارائه دهد.

تمام این تار عنکبوت‌های درهم‌تنیده فقط نشان می‌دهد که گزینش هند در موضع پرشور نخست وزیر در مورد طرح غزه نه تنها مقطعی، بلکه تا حدودی کوتاه‌بینانه است. دهلی هنوز شجاعت لازم را برای صحبت در مورد تحریم‌های جدید سازمان ملل علیه ایران یا افزایش پتانسیل آن برای ایجاد حمله "قریب‌الوقوع" دیگری از سوی اسرائیل به ایران، که ترامپ یا قادر به جلوگیری از آن نیست یا نمی‌خواهد، به خود راه نداده است. دوگانگی در موضع هند در مورد بحران خاورمیانه همچنان ادامه دارد. پیام مودی در درجه اول با هدف فرصتی نادر برای تکمیل ترامپ در یک چشم‌انداز دیپلماتیک تاریک است

-----**با احترام** «2025-10-05»